

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۹/۸۲۵۶ رده بندی کنگره: الف ۲۲/۳۵۹۰

مبانی انسان شناسی با تأکید بر اخلاق انقلابی از منظر

امام خمینی رحمه الله

سجاد خازنی

پژوهشگر و محقق

چکیده:

همواره همه ی مکاتب برای شناخت بهتر انسان و برنامه ریزی جهت رشد و تربیت آن متناسب با اهداف خود تلاش کرده و نظریه هایی را تولید نموده اند. یکی از مهمترین شخصیت های اثرگذار در سده اخیر امام خمینی رحمه الله علیه بوده که تفسیر ایشان از انسان را در عین حال که می توان اسلامی ترین تفسیر معرفی کرد، عینیت یافته ی نظریه ملاصدرا درباره انسان دانست که بدان جامه عمل پوشانیده و به اجرا در آورده است. چهار مبنای مهم این نظریه که فروع زیادی از مباحث اخلاق و تربیت انقلابی از آن منشعب می شوند را می توان چنین بیان کرد. متناظر بودن خلقت انسان نسبت به خلقت هستی که ذو مراتب بودن انسان و تشکیک آن فرع بر این مبنا است. جسمانیة الحدوث و روحانیت البقاء بودن نفس که تجرد انسانی یا شیطانی و بقا و تجسم اعمال رادر پی دارد. فطرت کمال طلبی و انزجار از محدودیت که منشأ تمامی خیرات و محجوبه ی آن سبب خسران و شقاوت می شود. باور داشتن هویت فقرذاتی که میانبر درمان بسیاری از بیماری های روحی از جمله عجب، ریا و ترس و... می باشد.

واژگان کلیدی: اخلاق اسلامی، انسان شناسی، امام خمینی، انقلاب اسلامی، اخلاق انقلابی

بخش اول: کلیات

بند اول: بیان مساله

مهمترین سرمایه هر مکتب یا گروهی برای پیشبرد اهداف خویش، نیروهای انسانی آن می باشند. انقلاب اسلامی هم از این نیاز مستثنی نیست و در هر زمانی نیاز به تربیت نیرو دارد اما در عین حال از آنجایی که آرمان‌های انقلاب اسلامی الهام گرفته از متن دین می باشند می توان مهمترین آرمان آن را اصالتاً تربیت انسانی الهی دانست و اتفاقاً هنر و معجزه ی این مکتب را همین مسئله قلمداد کرد. حال در این مسیر نوع نگاه به انسان در تربیت و برنامه ریزی برای رشد و شکوفایی آن بسیار با اهمیت و تعیین کننده در چگونگی این راهبرد دارد. لذا در این تحقیق بر آن هستیم تا مبانی انسان شناسی و نوع نگاه به انسان را از منظر امام خمینی بررسی نماییم. از آن جایی که تا انسان درست شناخته نشوند هدف، غایت، مبدأ و مقصد او مشخص نباشد نمی توان برای رشد و تعالی مادی و معنوی آن برنامه ریزی کرد. به عبارتی دیگر اساساً نوع نگاه ما به انسان مشخص می سازد که چگونه انسان سازی محقق می شود و همین مبانی است که وجه تمایز مکتب انقلاب اسلامی را از دیگر مکاتب مشخص می سازد لذا تا مبانی انسان شناسی بحث، مشخص نشوند نمی توان برنامه های رفتاری و اجتماعی و... را برای انسان بنا و پایه گذاری کرد. طبیعی است که بهترین و مهم ترین نگاهی که می تواند ما را به هدف مذکور نزدیک کند نوع نگاه معمار انقلاب اسلامی به انسان می باشد لذا لازم و ضروری است تا مبانی انسان شناسی را از منظر امام خمینی بررسی نماییم.

بند دوم: پیشینه

پیشینه ی انسان شناسی را می توان به آغاز خلقت انسان دانست چرا که از همان موقع که انسان خود را شناخت، افراد به این فکر بودند تا با پی بردن به ظرفیت ها و ابعاد گوناگون خود، بتوانند بهتر برنامه ریزی کرده و به حظ و کمال بیشتری دست یابند. در سال های گذشته نیز این بحث نیز مورد توجه اندیشمندان بوده است.

شهید مطهری در سخنرانی های خود در زمستان سال ۱۳۵۰ و بهار ۱۳۵۱ هجری شمسی به این موضوع پرداخته که این مباحث چند سال قبل نیز با عنوان انسان شناسی قرآن به چاپ رسیده است. مهمترین عناوین آن عبارتند از: زیبایی های انسان در قرآن، محرک های معنوی انسان در قرآن، خودیابی با ذکر خدا، فلسفه زهد. (مرتضی مطهری ۱۳۹۴) آیت الله رجبی هم در نوشتار خود محورهای اساسی انسان-شناسی را مورد بررسی قرار داده است و شناخت هویت واقعی انسان، هدف آفرینش وی و چگونگی دستیابی به آن در گرو بهره گیری از رهاورد وحیانی را در کنار دستاوردهای قطعی و عقلی و تجربی، اصلی مسلم دانسته است. (محمود رجبی ۱۳۷۹) هانس دیرکس نیز در کتاب خود برخی آرا و دیدگاه های "انسان شناسی" فلاسفه غرب بررسی کرده است. نگارنده در این کتاب به تفاوت های بنیادین انسان و حیوان اشاره می کند، سپس با وارد شدن به قلمرو روح و زبان، مباحث مربوط به بعد جسمانی و اجتماعی انسان را شرح می دهد. وی این مباحث را با اشاره به آرای فلسفی "پورتمان"، "گهلن" و "پلسنر" تدوین کرده است. (ترجمه محمدرضا بهشتی ۱۳۸۰) که البته به تازگی در مقاله ای با عنوان "انسان شناسی فلسفی مدخلی بر انسان شناسی ساحتی، نقد کتاب انسان شناسی فلسفی" این کتاب ضمن معرفی، نقد شد که مهمترین یافته ی این پژوهش، آن است که قالب رویکردهای انسان شناسی به بعد یا ابعادی از وجوه انسان توجه کرده و دچار بزرگ نمایی شده اند و در کمتر دیدگاهی می توان به تحلیل نسبت و ترابط تمامی قوای انسانی با یکدیگر دست یافت. این امر نشان از اهمیت توجه به بنیادهای فلسفی و روش شناختی انسان شناسی ساحتی دارد. (سید حسین حسینی ۱۳۹۹)

در مقاله ی انسان شناسی دولت مهدوی، انسان شناسی مکاتب غربی همانند اومانیزم و اگزیستانسیالیسم به چالش کشانده شده و با تبیین ویژگی های انسان در عصر ظهور آن ها الگویی برای دیگر دولت ها معرفی می شوند. (بهروز محمدی منفرد ۱۳۸۷) باید توجه داشت که انسان شناسی دارای انواع فلسفی، دینی، علمی، عرفانی و اخلاقی می باشد که هر یک از انواع آن را گرفتار بحران هایی هستند و تنها انسان شناسی دینی را می توان بدون هیچ بحرانی معرفی کرد. (عبدالحسین خسروپناه ۱۳۸۹) این ابعاد در کتاب انسان شناسی در ابعاد فلسفی، عرفانی و علمی مورد توجه و بررسی قرار گرفته. (کبری مشایخی ۱۳۹۴) در کتاب انسان شناسی اسلامی به بحث از ساحت های وجودی انسان، نیازهای انسان، فطرت، عقل و آگاهی، آزادی، جبر و اختیار، معنویت و کمال انسان پرداخته است و همچنین در

بخشی از کتاب، انسان شناسی اسلامی را با دیگر مکاتب مقایسه شده و در آخر انسان را در اندیشه برخی متفکران بزرگ اسلام معرفی نموده است. (عبدالحسین خسرو پناه ۱۳۹۵) پس انسان کامل و توسعه یافته همان انسانی است که با حرکت بر محور انسانیت و اصول فطرت تکامل می یابد و با یاری جستن از منبع عقل، وحی و تجربه راه گسترش اصول انسانی را در عرصه های حیات خود باز می کند. (روح الله محمدی ۱۳۹۶)

در خصوص نظریات حضرت امام اگرچه که خود ایشان در آثار و سخنرانی های خود متعدد به این مباحث پرداخته اند اما در رابطه با پژوهش هایی که بر محور مبانی ایشان صورت گرفته می توان چنین بیان کرد که: جمعی از پژوهش گران با جمع آوری نظرات ایشان کتابی را با عنوان انسان شناسی در اندیشه امام خمینی رحمه الله تألیف نمودند. این کتاب در برگزیده مباحثی چون حقیقت و ماهیت انسان، انسان در نظام هستی، قوای نفس انسان، روح و قلب، شناخت انسان، آفرینش انسان، مقام و جایگاه انسان، انسان و تربیت است. (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۸۵) جمعی دیگری نیز انسان شناسی فلسفی در اندیشه امام خمینی رحمه الله را گردآوری کرده اند. (۱۳۹۲) امام خمینی به عنوان یکی از پیروان حکمت متعالیه با تفکر برگرفته از فلسفه صدرایی و معارف قرآنی به استکمال پذیری انسان در قوس صعود قائل است که از مرتبه مادی تا خلافت الهی رشد می یابد. ایشان بر اساس این مبنا به منظور تحقق اصل کرامت عزت و آزادی انسان ها توانست بزرگترین انقلاب قرن را به پیروزی رساند و زمینه های اجتماعی و فرهنگی لازم برای رشد و تعالی انسان تربیت اخلاقی و بالفعل شدن خلافت الهی انسان را فراهم نمایند. (رضا رسولی شریانی ۱۳۹۲) اما اینکه از منظر حضرت امام چه نسبتی بین انسان شناسی و اخلاق وجود داشته و اساسا نقش انسان شناسی در اخلاق از منظر ایشان چیست؛ در پایان نامه ای بدان پرداخته شده و به همین ترتیب دو رویکرد اخلاقی فلسفی و عرفانی را در آثار حضرت امام بیان می کند. (فهمیه عباسیان ۱۳۹۳) یکی دیگر از ویژگی های مباحث امام خمینی رحمه الله علیه در این رابطه این است که ایشان در میان آثار خود به مباحث انسان شناسی های بشری و انسان شناسی قرآنی و تفاوت های این روش ها پرداخته اند و علم انسان شناسی وحیانی صحیح و جامع را برای زندگی فردی و جمعی ضروری می دانستند. (علی احمد ناصح ۱۳۹۴) در میان آثار در این زمینه، مقایسه ای هم بین آرای امام خمینی

رحمه الله و دیگر متفکران صورت پذیرفته از جمله انسان شناسی عرفانی امام خمینی رحمه الله و علامه طباطبایی رحمه الله که موضوع رساله ی دکتری واقع گردیده بود. (مصطفی خلیلی ۱۳۹۴)

وجه امتیاز مقاله پیش رو نسبت به دیگر کارهای انجام شده در این است که انسان شناسی را از منظر امام خمینی رحمت الله علیه با تأکید بر اخلاق انقلابی مورد بررسی قرار می دهیم.

سوال اصلی این مقاله شناخت مبانی انسان شناسی با تأکید و تأثیر آن بر اخلاق انقلابی از منظر امام خمینی می باشد که پاسخ حدسی ندارد.

روشی که در تحقیق و نگارش این مقاله به کار گرفته شده توصیفی - تحلیلی می باشد و پس از بیان عناوین اصلی به فروع اخلاقی و تربیتی ذیل هر عنوان اشاره خواهیم کرد. روش گرد آوری اطلاعات نیز به صورت فیش برداری و کتابخانه ای می باشد.

پیش فرض ما چنین است که بحث به صورت نقلی و تطبیقی، مبتنی بر آرای امام خمینی که برگرفته از متن دین و مؤید به آیات و روایات می باشد، پیش می رود.

بخش دوم: نظریات رقیب

در میان مکاتب و اندیشمندان نگاه های مختلفی و متفاوتی به انسان وجود دارد که برخی از آنان را ذکر خواهیم کرد و به اجمال نظر حضرت امام در مقابل آن بیان می گردد و پس از آن به تبیین تفصیلی نظرات حضرت امام خواهیم پرداخت.

بند اول: مسئله ی رابطه انسان با خالقیت

برخی از مکاتب اصالت و محوریت در عالم را خود انسان می دانند و رویکرد اومانیزم را دنبال می کنند و اندیشمندان آن یا ملحد هستند یعنی اساساً اعتقادی به خداوند و خالقیت او ندارند و یا غیر ملحد هستند یعنی اعتقاد به وجود خداوند دارند اما عملاً نقشی برای او قائل نیستند و دین را دخیل در رویکردهای شان نمی دانند و رویکرد سکولاری را پیش می گیرند. در حالی که در اندیشه ی امام خمینی محور کل هستی، خداوند است.

بند دوم: مسئله ی برتری انسان از دیگر موجودات

برخی از ادیان مثل دین یهود قائل هستند که انسان ذاتاً از دیگر موجودات برتر است لذا در عمل نیز آن ها خود را نسبت به دیگر انسان ها نژاد برتر می دانند و در صدد هستند که دیگران را به استخدام خود در بیاورند. اما حضرت امام قائل است اگرچه که انسان ظرفیت ها و قابلیت های بی نظیری در وجود خود دارد اما با کسب اختیاری خود می تواند به مقام برتری برسد و الا صرف آن قابلیت ها برتری را برای انسان ایجاد نمی کند.

بند سوم: مسئله ی سرشت پاک و فطرت کمال طلبی انسان

گروهی نیز مثل مسیحیت اعتقاد دارند که انسان سرشتی آلوده دارد یا به نقلی از هابز انسان سرشتی درنده خو و گرگ صفت دارد. در مقابل حضرت امام انسان را دارای سرشت و فطرتی پاک، کمال طلب و خدا جوی می داند.

بند چهارم: مسئله ی ابعاد وجودی انسان

برخی از مکاتب مادی گرا تنها وجود مادی را برای انسان قائل هستند و ماورای ماده را از انسان سلب می کنند. این در حالی است که انسان از روحی مجرد نیز برخوردار می باشد.

بند پنجم: مسئله ی تغییر خلیات انسان

برخی از اندیشمندان روحیات انسان را قابل تغییر نمی دانند به طوری که حتی در برخی از ادبیات رایج در میان مردم ما اثرات آن نمود دارد و به آن تمسک می جویند از جمله بیت معروف که «عاقبت گرگ زاده گرگ شود گرچه با آدمی بزرگ شود» و یا این مثل معروف که «نرود میخ آهنین در سنگ» و... در حالی که امام خمینی فلسفه ی وجود انبیا را برای تربیت و دستگیری انسان ها می داند که اگر قرار نبود تغییر خلیات حاصل گردد، بحث آن ها لغو می بود.

بخش سوم: مقدمه

الف) در میان اندیشمندان نظریات حضرت امام را می‌توان اسلامی ترین نظریه و در عین حال عینیت یافته نظریات ملاصدرا در مبحث انسان شناسی دانست. (رسولی شریانی، ۱۳۹۱: ۳۲)

ب) اصالت وجود، حرکت جوهری، عین الربط و هویت فقری و ذاتی، مراتب نظام تشکیک از مهم ترین نظریات ملاصدرا است که در مبحث ذیل مرحوم حضرت امام به نوعی از آنها استفاده کرده اند.

ج) محور منظومه فکری حضرت امام، توحید می باشد (خسروپناه، ۱۳۹۷: ۱۱۷) و بر مبنای توحید نظامات فکری و رفتاری و اجتماعی تئوریزه می گردند. پس در هر نظام و مسئله ای هم نتیجه ای متناسب با آن استخراج می شود مثلاً در بحث هستی شناسی نظریه ی وحدت وجود مطرح می شود و اینکه باید از کثرت به وحدت و از عالم ماده به مقام الوهیت رسید. در بحث انسان شناسی این غایت مشخص می گردد که مهم ترین هدف در این راستا تربیت انسان موحد است. در پی رسیدن به این غایت باید به اسلام رجوع کرد، در اینجا نقش اسلام به منزله یک باغبان می باشد (خسروپناه، ۱۳۹۷: ۲۵۳) که برای پرورش و رشد گیاه باید با آماده کردن زمین، زمینه ی رویش را قبل از کاشتن بذر ایجاد می کند و پس از آن نیز به حراست از آن می پردازد. لذا برای تربیت انسان موحد نیز نیاز است که قبل از شروع به این کار، زمین مستعد باشد یعنی لازم است ابتدا یک حکومت اسلامی مستقر شود. با همین مبنا وارد نظام سیاسی شده و نظریه امت واحده و وحدت کلمه را مطرح می نمایند و و بر این پایه، نظام سلطه را نفی می کنند و هر گونه وابستگی فکری، سیاسی، اقتصادی و... به کافران را مذموم می دانند. این چنین است که نظریات حضرت امام به طور منظومه وار به یکدیگر متصل و مرتبط اند.

پس اگر گفته می شود که ایشان یک موحد واقعی بود به این دلیل است که در تمامی شئون موحد بودند نه صرف توصیف توحید و اعتقاد نظری به آن و بلکه در تلاش بودند تا توحید در تمامی شئون زندگی بشر بر اقامه گردد. بدین جهت است که در هر زمینه و مسئله و نظامی که وارد می شوند این مبنا را جاری و ساری کرده و تئوری و عملشان را متناسب با آن پایه ریزی و سامان می دهند.

در مبحث انسان شناسی برای اینکه تحلیل کنیم که انسان از کجا آمده است آمدنش بهر چیست و به کجا می رود لازم است نسبت و رابطه او با خداوند، نظام هستی و انسان ها را بررسی نماییم.

بند اول: هدف انسان، رسیدن به خلافت

هدف خداوند از خلقت انسان رساندن او به مقام خلیفه اللهی بر زمین است. این بدان معنا است که کسی که به این مقام دست پیدا کند می تواند به اذن خداوند بر زمین خداوندگاری کند. و رسیدن به این مقام حاصل نمی شود مگر با عبودیت و تسلیم محض در برابر پروردگار عالم. لذا محور عالم خداوند است و انسان باید تابع اراده ی او حرکت کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷۳)

بند دوم: جایگاه انسان در نظام هستی

هر موجودی در نظام هستی مظهر یکی از اسماء الهی می باشد. انسان نیز همان طور که در قرآن کریم بدان اشاره شده (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) جامع تمامی اسماء و صفات الهی است که از آن تعبیر به عالم صغیر در مقابل عالم کبیر (هستی) می شود (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۳۱۷) و خلقت آن نیز به نوعی متناظر با خلقت هستی می باشد. که این نشان از ظرفیت بی نهایت انسان در کسب کمالات را می رساند به نحوی که قابلیت و استعداد کسب تمامی کمالات را در نظام خلقت داراست. (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۳، ۱۱)

با توجه به نظریه نظام تشکیکی ملا صدرا عالم یک وجود بسیط است که اختلاف در اشیاء به اختلاف در شدت و ضعف وجود مربوط می شود. (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱، ۱۶۳) مراتب وجود هستی عبارت اند از عالم عقل، عالم مثال (برزخ) و عالم ماده (طبیعت). (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۳۲۰) بدین گونه که عالم عقل علت است برای عالم مثال و عالم مثال نیز علت است برای عالم ماده به عبارت دیگر می توان عوالم پایین تر را معلول عوامل بالا تر بیان کرد. (خسروپناه، ۱۳۹۷: ۱۴۳)

همان طور که علت و معلول دو وجود نیستند بلکه یک وجود هستند اما به نحوه شدت و ضعف، هر کمالی که در مرتبه پایین تر است در مرتبه بالاتر با شدت بیشتری وجود دارد.

در خلقت انسان نیز همین مراتب وجود دارد. یعنی انسان نیز دارای ساحتی از مرتبه عقل، ساحتی از عالم مثال و ساحتی از عالم ماده می باشد، با این تفاوت که ساحت عقل علت برای ساحت مثال یا ماده نیست اما می توان چنین بیان کرد که مرتبه ماده ظاهر مرتبه مثال و مرتبه مثال نیز ظاهر مرتبه عقل می باشد به طوری که مراتب بالاتر باطن مراتب پایین تر هستند.

با توجه به عبارات فوق می توان چند فرع اخلاقی را بیان کرد.

اول آنکه هر کمالی را که انسان در مرتبه ای از ساحت وجودی خویش می تواند کسب کند آن کمال در مرتبه بالاتر به شکل کامل تر و با شدت بیشتری وجود دارد. یعنی انسان هر حظی را که در عالم ماده می برد، تأثیر آن در ساحت بالاتر حتمی است. (امام خمینی، ۱۳۸۱، ۳: ۳۱۹) خواه آن حظ از فضائل باشد یا رذائل. مثلاً اگر فردی دچار رذیله غیبت شد، تأثیر آن در عالم بالاتر به منزله ی خوردن گوشت برادر مرده می باشد یا اگر دچار نگاه حرامی گردید تأثیر آن در باطن به منزله تیر به قلب می باشد و آن فرد را برای مدتی از شهودات معنوی و روحانی باز می دارد. چرا که بعد مادی و جسمی، دیگر در آن ساحت وجود ندارد و مانع نمی شود و تأثیرات به طور مستقیم و بدون دخالت و وساطت بدن بر نفس می نشینند. همان طور که اگر کسی به هنگام خواب دیدن حالت نشاط یا ترس برایش به وجود آید، شدت این حالت به مراتب از موقع بیداری بیشتر است. در عین حال نشان می دهد که میان دنیا و آخرت تفکیک و جدایی نیست. (ناصح، ۱۳۹۴: ۱۴۳)

دوم، همان طور که بیان شد اعمال ظاهری انسان در باطن او تأثیر گذار هستند و معلوم شد که ظاهر و باطن از یکدیگر متأثر هستند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۶۹) نشان می دهد که نمی توان از حفظ ظواهر آداب شریعت و اخلاق کوتاهی نمود. یا چنین بیان کرد که اصل، حفظ طهارت باطن می باشد و بی اعتنایی به ظواهر شریعت و آداب اخلاقی اشکالی ندارد! یعنی همان طور که تقید به انجام آداب شریعت و اخلاق برای طهارت قلب و باطن اثرگذار است، بی مبالاتی نسبت به آن نیز در آلودگی باطن اثر می گذارد. کما اینکه به عنوان مثال در روایات نیز بیان شده که اگر دارای حلم نیستید خود را به تحلم بزنید و یا اگر در مجالس اهل بیت علیهم السلام حال بکاء ندارید خود را به تباکی بزنید یعنی با حفظ ظاهر تأثیر بر باطن خواهد گذاشته شد و آن حال به تدریج ایجاد می شود.

سوم، با توجه به مراتبی که از خلقت انسان بیان شد، در رشد اخلاقی و تربیتی نیز باید این مراتب لحاظ شوند که مخاطب و مرتبی در کدام یک از مراتب وجودی قرار دارد. مثلاً بچه ای که هنوز به رشد عقلی نرسیده است و در مرتبه مادی به سر می‌برد و همه چیز را با محسوسات تطبیق و تحلیل می‌کند، باید به هنگام تعلیم و تربیت او توجه شود که مسائل با تحلیل های فرامادی به او آموزش داده نشوند چرا که او اصلاً ورای مرتبه ی محسوسات و ماده را نمی تواند درک کند.

چهارم، با توجه به حرکت جوهری و اینکه حرکت از قوه به فعلیت رسیدن اشیاء تدریجی صورت می پذیرد، در امر رشد اخلاقی نیز لحاظ گردد که رشد اخلاقی و تربیتی دفعی و یک شبه حاصل نمی شود بلکه باید تدریجی حاصل گردد.

پنجم، با این بیان که هر شیئی مظهر یکی از اسمای الهی است و انسان نیز می تواند جامع اسماء الهی باشد، کسی که عاشق خداست عاشق مظاهر او نیز هست و عشق به خداوند عشق به جلوه‌های او نیز می باشد، لذا معلوم می شود که چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هدایت انسان ها حتی شقی ترین آن ها حریص بودند و برای این امر خود را به مشقت می‌انداختند؟ یکی از حکمت های آن همین مورد می باشد که برای ایشان راحت نبود که ببینند یکی از افرادی که می‌توانست مظهر اسم الهی باشد گمراه و مشرک گردیده لذا برای هدایت او حریص بود. این رفتار در سیره ی عملی امام خمینی نیز نمایان است که در برابر هدایت افراد تا آخرین لحظه ها تلاش کردند، مثل برخورد و صبری که در برابر انحرافات آیت الله منتظری یا بنی صدر داشتند.

بند سوم: حقیقت انسان

نفس انسان مرکب از جسم و روح است. حقیقت انسان به نفس است و نفس جسمانیة الحدوث و روحانیت البقا می باشد و مسیر حرکت آن از طبیعت محض به سمت تجرد محض می باشد. یعنی با مرگ مفارقت روح از جسم حاصل می شود. طبیعی است هرچه توجه به قوای جسمی بیشتر باشد غفلت از روح نیز بیشتر می باشد و بالعکس. (خسروپناه، ۱۳۹۷: ۳۷۹)

با توجه به این مبنا از آنجایی که روح اصیل است و جسم فانی است - چراکه ماده شکننده می باشد و فنا مخصوص ماده است اما مجرد از آنجایی که قابل انکسار نیست پس فنا پذیر هم نیست - شایسته است که علاج بیماری های روحی بر علاج بیماری های جسمی مقدم گردد. البته که این به منزله نادیده گرفتن نیازهای جسمی نیست، بلکه به منزله ی اهمیت بالای علاج بیماری های روحی بر علاج بیماری های جسمی است. همچنین با توجه به اینکه اعمال نیز از حقیقت جان نشأت می گیرند، لذا تأثیر آن ها بر روح باقی می ماند. یعنی اگر کسی اهتمام بیشتری در کسب فضائل داشت تجردی انسانی برای خود رقم می زند اما اگر کسی اهتمامش بر کسب رذائل بود تجردی شیطانی را برای خود می سازد. بدین شکل که در مسئله تجسم اعمال نیز مطرح می گردد که اگر کسی در این دنیا بیشتر توجهش به تقویت قوای شهوانی و ارضای امیالش باشد و افسارگسیخته بدان پردازد و تعادل را رعایت نکند، تجسم اعمال آن به مثابه ی خوک می باشد، یا اگر کسی در غضب خویش افراط نماید، مانند سگ و حیوانی درنده خو محشور و نمایان می گردد. (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۲۹) اما اگر کسی بیشتر به تقویت قوه عقل خود اشتغال داشته باشد و توجهش بیشتر معطوف به ساحت معنوی و روحانیش باشد، طبیعی است که تمثال ملکوتی و تجسم اعمال او بسیار زیبا و نورانی، انسانی و یا الهی خواهد بود.

نتیجه آنکه با توجه به این مبنا لازم می آید تا خود و اعمال خود را محدود به زمان و مکان مادی نپنداریم بلکه خود را از حصر و زمان و مکان خارج کنیم و کمالات و تأثیر آن ها را بر روح ابدی بدانیم حتی در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز همین گونه عمل کنیم و انقلاب را نیز ابدی بنگریم چرا که اثر هر عملی در این دنیا خواه خوب یا بد باشد، تا ابد باقی خواهد ماند. شاید بتوان رمز ماندگاری برخی اشخاص در تاریخ را به همین امر مربوط دانست که به واسطه ی اعمال شان اعم از جوانحی و جوارحی یا همان نیت و رفتار، اثرش به وسعت تاریخ ماندگار شد. به عنوان مثال شیوه مبارزه رزمندگان در دوران دفاع مقدس داشتند به گونه ای بود که خود را از حصار آن زمان و مکان خوار ساختند بودند بطوری که نه دشمن شان را صرفاً رژیم بعث می دانستند و نه هدفشان از عملیات تنها رسیدن به اهداف میدانی و مادی آن منطقه بوده است چراکه از شعار ها و نامگذاری های عملیات شان معلوم بود که انگار افقی دیگر را می بینند. مثلاً با وجود اینکه صد ها کیلومتر از کربلا دور بودند و در حال آزاد سازی خرمشهر بودند اما احساس می کردند در حال رسیدن به کربلایند و هدف شان آزاد سازی بیت المقدس است. یا

همان نگاه با صلابتی که شهید محسن حججی به لنزهای دوربین دشمن به هنگام اسارت انداخت و ماندگار شد، می توانست مواجهه ی دیگری هم داشته باشد و به گونه ای دیگر این تصویر ثبت شود اما از آنجایی که ایشان خود را از حصار آن مقطع و مکان خارج کرده بود، مواجهه ای داشت که نه انگار اسیر دشمن است و می خواهد به قربانگاه برود! پس همین امر بود که او را نسبت به دیگر افراد ممتاز کرد.

مؤید این سخنان همان گونه که در زیارت سیدالشهدا علیه السلام از زبان زائر ایشان آمده است (يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً) بیان می دارد که اگر دوست دارید در واقعه عاشورا همراه امام حسین علیه السلام می بودید، این عبارت را بر زبان جاری سازید. این یعنی همان خارج شدن از کالبد زمان و مکان چرا که اگر این ذکر اثر نمی داشت، در روایات نیز وارد نمی شد، پس می توان حالتی را تصور کرد که انسانی در عملی که هزار و چند صد سال قبل صورت گرفته، سهیم و شریک باشد و یا به گونه ای عامل باشد که تأثیر عملش در قرن ها پس از مرگش نیز باقی و در حیات اجتماعی دیگر انسان ها موثر باشد.

امروزه که بسیاری از افراد و نهادها تلاش و هزینه می کنند تا حتی درصد کمی در رشد و تربیت اخلاقی افراد و نسل های بعدی اثر گذار باشند، با این نگاه می توان راحت تر به این مقصد رسید به گونه ای که اگر قرار است در امر آموزش، واسطه معرفت افزایی به متریبی یا مخاطب مان باشیم، چنین گمان کنیم که اگر یک درصد هم بتوانیم بر بینش یا معرفت فرد بیفزاییم اثر آن در نطفه شخص نمود پیدا می کند و چنین حاصل از آن که با معرفت بالاتری نطفه اش منعقد گردیده می تواند در عالم مفید تر واقع گردد و بهتر نقش ایفا کند پس هم نسلی با معرفت تر به وجود می آید و هم ما در نقش آفرینی های آنان سهیم هستیم.

بخش چهارم: فطرت

فطرت در وجود تمامی ابناء بشرو حتی موجودات وجود دارد و به آیین و مسلک، قدمت، تمدن و مدرن بودن آن ها و... بستگی ندارد. شاخه اصلی آن عشق به کمال بی نهایت می باشد. روی دیگر سکه ی عشق به کمال، تنفر از نقص ها و محدودیت ها است. یعنی انسان هر چه موحد تر باشد باید تنفر و بیزاریش نسبت به مظاهر شرک نیز بیشتر باشد. اصل فطرت مخموره، خیر و منشأ تمامی خیرات است

که غیر محجوبه از طبیعت و ظلمت‌های آن می‌باشد و وجهه‌ی نورانیت آن باقی است اما محجوبه‌ی آن شر و منشأ دیگر امور شر می‌باشد. شریعت فطرت بالعرض بوده و به خاطر حجاب‌های ظلمانی می‌باشد. اگر قوای نفس افسار گسیخته باشند، بی‌حد و مرز طلب می‌کنند و بهره‌مندی لذات آن در هر مرتبه دلبستگی به دنیا را بیشتر کرده و علاقه به روحانیت کم می‌شود. کسانی که راه را اشتباه می‌روند به خاطر تشخیص اشتباه در مصداق کمال است لذا نیاز به مربی و هدایت‌گری دارند که انسان و نیازهای او را کامل بشناسد. فطرتی که خواهان کمال بی‌نهایت می‌باشد اگر محجوب از روحانیت گردد انسان را بی‌نهایت به شقاوت سوق می‌دهد. یعنی همان سرمایه‌ای که براق سیر اولیا بود سبب می‌شود انسان از حیوانات نیز پست‌تر گردد. (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۸۷-۸۰)

ایمان و ارکان آن از فطریات است چون فطرت، کمال مطلق را می‌خواهد و حصول آن حقیقت ولایت و فناء فی الله می‌باشد پس بقای ابدی نیز فطری است. اما فطرت محجوبه پیوستگی را در دنیا طلب می‌کند و چون آن اشخاص، ایمان به معاد ندارند از مرگ متنفر اند درحالی که مؤمنان عشق به پیوستگی به معاد و عالم مابعد موت را دارند در نتیجه مرگ در نزد آنان شیرین به نظر می‌رسد. (همان: ۱۰۳)

بخش پنجم: فقر ذاتی و عدم هویت استقلالی

انسان‌هایی که خود و دیگر اشیاء را در عالم عین ربط به خداوند می‌دانند برای هیچ‌احدی وجود استقلالی قائل نیستند (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۳۲) و همه چیز را فقیر مطلق می‌پندارند و تنها استقلال را از آن خداوند می‌دانند در درمان بیماری‌های اخلاقی نیز بسیار راحت‌تر می‌توانند آن‌ها را علاج کنند و راهی میانبر را طی می‌کنند. مثلاً در درمان بیماری‌های عجب، رویا و ترس کسانی که با این معرفت به خلق نگاه کنند تخصصاً موضوع این عناوین از آن‌ها خارج می‌گردد چرا که عجب و ریا برای کسی رخ می‌دهد که برای دیگران هویت استقلالی قائل است و عزت یافتن برای خود را از جانب آن‌ها می‌داند و می‌خواهد در نظر آن‌ها خوب جلوه کند.

همچنین کسی که موحد است و تمامی قوت و قدرت را از آن خداوند می‌داند، اثری را برای عمل دیگران قائل نیست و از کسی جز خداوند هراسی ندارد. هرچه بیشتر به «الله اکبر» ایمان داشته باشد قدرت‌های پوشالی در نزد او کوچک‌تر و حقیرتر می‌باشند. بدین خاطر است که همواره گروه‌های



مقاومت اسلامی اگرچه که به ظاهر از جهت عِدّه و عُدّه همیشه کمتر از جبهه ی ظالمان و مستکبران بوده‌اند، اما ایمان آنان به خداوند سبب شده تا مرعوب ابزار و سخت افزارهای مادی دشمنان شان نگردند و با قدمی استوار مقاومت کرده و آنان را شکست دهند. در جریان انقلاب اسلامی نیز همین عده قلیل بودند که که بدون توپ و تانک بر نظام شاهنشاهی غلبه پیدا کردند و پس از آن هم در مقابل فشار های آمریکا و نظام سلطه ایستادگی کرده و قد خم نکردند.

نتیجه گیری

در مکتب انقلاب اسلامی که معمار آن امام خمینی رحمه الله علیه بود آنچه که حقیقتاً اصالت دارد و بر تمامی شئون زندگی انسان سایه می افکند و هدف زندگی می باشد رسیدن به سعادت و کمال و قرب الهی است تا انسانی متعالی و موحد تربیت گردد که در پی آن سعادت‌مندی در دنیا هم حاصل می شود. پس این هدف برآورده نمی شود مگر با پیروی از فرامین اخلاقی و حیانی و عقلانی. در نظر نگرفتن هر یک از این ارکان، انحراف را در پی دارد و آنچه را که در دیگر مکاتب و قرائت هایی که از اسلام شکل گرفته و شاهد آن هستیم، یا مواجهه با تحجر است که تجلی در اسلام داعشی و سلفی دارد و یا مواجهه با التقاط و آمیختگی حق و باطل است که خروجی آن انفعال در برابر طبیعت و اطراف می باشد و هیچ نجات و خاصیت و رستگاری برای بشر ندارد. اما امام خمینی با الهام گرفتن درست از ابزار معرفتی دینی و عقلانی در دام هیچ یک از انحرافات نیافتاده و در عصر حاضر تجدید و احیا کننده ی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله بوده است و عمل به برنامه ی آن در عصر غیبت بهترین نسخه برای رستگاری بشر و زمینه سازی جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی و درک ولایت عظمای حضرت ولی عصر علیه السلام می باشد.

امروزه در تقابل فرهنگ های خارجی با فرهنگ انقلاب اسلامی، همین فضائل اخلاقی و انسانی است که گمشده بشر می باشد و زیبایی‌های آن هر انسانی را مبهوت خود می سازد لذا بهترین ابزار و قدرت در این رویارویی و جنگ نرم، احیا و اجرای اخلاق، تربیت انسان های اخلاقی و متعالی و نمایاندن آن به جهانیان به عنوان معجزه، هنر و ویتترین زیبای مکتب انقلاب اسلامی است. تا همانگونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو فتح بزرگ یشرب و مکه را با اخلاق خویش حاصل ساخت، امروزه نیز انقلابیون



مکتب انقلاب اسلامی بتوانند از دریچه ی اخلاق، عقول و قلوب جهانیان را فتح کرده و ضمن ترویج فرهنگ خود، فرهنگ آنان را نیز در خود هضم یا استحاله سازند.

و آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم
۲. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۷، *منظومه فکری امام خمینی (ره)*، نشر فرهنگ و اندیشه
۳. خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۸، *آداب الصلاة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۴. خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۱، *تقریرات فلسفه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۵. خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۲، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۶. خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۳، *دیوان امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۷. خمینی، سید روح الله، ۱۳۹۱، *شرح دعای سحر «ترجمه فارسی»*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۸. خمینی، سید روح الله، ۱۳۹۲، *دروس تفسیر سوره حمد جهاد اکبر یا مبارزه با نفس نامه های اخلاقی - عرفانی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۹. رسولی شربیانی، رضا، ۱۳۹۱، «تبلور انسان شناسی صدرایی در نهضت امام خمینی (ره)»، حکمت صدرایی، سال دوم، ص ۳۱-۴۲
۱۰. ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، ۱۳۸۲، *شواهد الربوبیه*، بنیاد حکمت اسلامی صدرا



۱۱. ناصح، علی احمد و مجید اسدی، ۱۳۹۴ «انسان شناسی در اندیشه امام خمینی»، متین، سال
هجدهم، ص ۱۲۹-۱۴۳

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**

پنجمین همایش علمی-پژوهشی

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir **www.Ghanonyar.ir**

محورهای پذیرش مقالات

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش
 روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مکان و زمان برگزاری همایش کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱
مدیر علمی و مسئول همایش دکتر بهنام اسدی
مدیر اجرایی همایش دکتر شهاب رضایی

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران **OLOMENSANI@YAHOO.COM**
 ارسال مقاله از طریق واتس آپ، ایتا، سروش، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
 ((در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قیادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵))










